

## صبح شام

### علیرضا سلطانشاهی

#### مقدمه

ایران اسلامی پس از نزدیک به بیست سال جنگ و تحریم در آستانه هزاره سوم میلادی آنچنان جایگاه خود در سطح ملی - منطقه‌ای را تثبیت نمود که در سطح جهانی با آمادگی برای راهبری «گفت‌وگوی تمدن‌ها» در پی آن بود تا جنگ تمدن‌های ساموئل هانتینگتون<sup>۱</sup> را که با ۱۱ سپتامبر فرصت بروز و ظهور یافته بود، ناکام سازد.

ولی صهیونیست‌ها در اجرای برنامه خود برای خونین ساختن مرزهای اسلام در قالب «جنگ تمدن‌ها» اصرار داشته و دولت نومحافظه کارها در دوران بوش پسر، شرایط اجرای این راهبرد را فراهم ساخت.

عقب‌نشینی یا به عبارت دقیق‌تر فرار صهیونیست‌ها<sup>۲</sup> از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰،

۱. نظریه پرداز یهودی - امریکایی که در سال ۱۹۹۳ طی یک کتاب مدعی شد که از میان تمدن‌های شرق آسیا، امریکای لاتین، آفریقا، بودائی، هندوئیسم، تنها تمدن اسلام است که نمی‌خواهد با تمدن مسلط غرب یکی شود. به همین دلیل عمده‌ترین جنگ‌های آتی میان مسلمانان با تمدن غرب است.

۲. فرار صهیونیست‌ها در پی مقاومت حزب‌الله از منطقه ۱۵ × ۱۰ کیلومتر جنوب لبنان که از سال ۱۹۸۲ تحت اشغال خود و مزدوران آنتوان لحد بود، پیروزی بزرگی را برای حزب‌الله و اعراب برای اولین بار رقم زد.





اعلان رسمی تشکیل جبهه مقاومت بود و پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، نشان‌دهنده عجز غرب و صهیونیسم در مواجهه با این جبهه.

کنفرانس آنابلیس<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۷ صف‌بندی جبهه صهیونیستی در مقابل جبهه مقاومت با رهبری ایران را آشکار نمود و عناصر تشکیل‌دهنده هر دو طرف را به جهانیان معرفی کرد. در این زمان بود که دست‌نشانده‌های غرب وابسته به صهیونیسم، راهی جز علنی کردن حضور خود در جبهه صهیونیستی نداشتند.

بیست سال اول هزاره سوم صحنه هم‌آورد این دو جبهه در سطح منطقه‌ای و جهانی بود تا شاید با شکست جبهه مقاومت، با تمام ترندها و توطئه‌ها، اسلام‌ناب محمدی (ص) به عنوان اسلام‌راستین در مقابل تمدن غرب زانو زده و لیبرال‌دموکراسی امریکایی با وعده فوکویاما محقق شود.

هم اکنون در پایان این بیست سال این وعده نه تنها محقق نشده است، بلکه فوکویاما نیز از نظر خود عدول کرده<sup>۲</sup> و جبهه مقاومت سر بر آورده است.

هر یک از اجزای جبهه مقاومت ظرف بیست سال گذشته در عرصه‌های مختلف سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، امنیتی و اقتصادی در غزه، لبنان، سوریه، عراق، بحرین، یمن و ایران به بهانه‌ها و اشکال مختلف پنجه در پنجه دشمن خود داشته و دارند و حتی به پیروزی‌هایی هم دست یافته‌اند. سوریه یکی از مهم‌ترین محورهای جبهه مقاومت بوده و هست که درگیر یک جنگ همه‌جانبه داخلی و بین‌المللی با ابعاد مختلف شد تا به عنوان یکی از معابر ضربه به رژیم صهیونیستی با توطئه صهیونیستی به زانو در آید. اما نتیجه این جنگ به رغم تمام تلاش‌ها و ترندها، زنجیره مقاومت از ایران تا کرانه‌های مدیترانه را متصل و محکم‌تر نمود. کتاب صبح شام بهانه‌ای برای صحبت در مورد داستان سوریه و حماسه و هم‌آورد مقاومت و صهیونیسم در یک دهه اخیر است.

## یک ضرورت!

به خاطر دارم که در جلسات راهبردی پیرامون بیداری اسلامی در پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی در سال ۱۳۹۶ از جناب آقای رئوف شیبانی سفیر محترم جمهوری اسلامی

۱. متحدین غربی، امریکایی، صهیونیستی و عرب در سال ۲۰۰۷ در امریکا متفق شدند تا علیه جبهه مقاومت به رهبری ایران اقدام کنند.

۲. فرانسیس فوکویاما نظریه‌پرداز امریکایی ژاپنی‌الصل در سال ۱۹۹۲ با نوشتن کتاب *پایان تاریخ و آخرین انسان* بر آن است تا نظام لیبرال‌دموکراسی حاکم بر امریکا را به عنوان آخرین تجربه و بهترین نظام برای اداره جامعه بشری معرفی کند. او جدیداً از این نظر خود عدول کرده است.

رژیم صهیونیستی با درگیر کردن کشورهای منطقه با همسایگان خود با پول و سرمایه کشورهای مسلمان به بهترین شکل، بدون اینکه حتی خود یک گلوله شلیک کرده یا هزینه کند، به هدف خود رسیده است

ایران در سوریه به هنگام دوران جنگ در این کشور برای طرح مباحث راهبردی دعوت به عمل آمده بود. در پایان آن جلسه از ایشان خواستم که چون از نزدیک در دو اتفاق مهم در منطقه از جمله جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ لبنان و بعد

از آن جنگ در سوریه، به عنوان سفیر حضور داشته است، خاطرات و دستاوردهای تجربی، دیدگاهی، علمی یا دیپلماتیک خود را در قالب کتاب به رشته تحریر در آورد تا دیگران از فواید بی‌شمار آن بهره‌مند شوند. کاری که بسیاری از همتایان وی در سایر کشورها در سطوح مختلف انجام می‌دهند که بسیار هم قابل استفاده است. امید است که این درخواست در مرحله اجابت و در دست اقدام باشد!

متأسفانه عدم توجه به این ضرورت، صرف نظر از آثار سازنده دیگر آن، اقدامی مهم در مسیر تولید ادبیات انقلاب اسلامی به ویژه با رویکرد خارجی است که ظرف چهل سال گذشته، بسیار مغفول واقع شده؛ چه اگر سربازان نظامی، دیپلمات، اقتصادی و فرهنگی در این جبهه یافته‌های خود را ثبت و در اختیار دیگران، به ویژه علاقه‌مندان انقلاب اسلامی در آن سوی مرزها قرار می‌دادند، پیشبرنده‌های اهداف انقلاب اسلامی و قدرت افناعت‌سازی آن در داخل و خارج از کشور، بسیار بهتر و سریع‌تر قابل پیگیری بود.

صبح شام، صبح مبارکی از تحقق این ضرورت است که از سوی یک دیپلمات انقلابی به نتیجه رسید و ان شاءالله با ادامه و تکرار آن از سوی سایر سربازان این جبهه، غنی‌تر و مؤثرتر، مبدل به یک جریان شود که تکرار تجربه موفق ادبیات دفاع مقدس را در مقاومت بین‌الملل اسلامی نیز به همراه داشته باشد.

## معرفی کتاب

عنوان کتاب: صبح شام (روایتی از بحران سوریه)

خاطرات دکتر حسین امیر عبداللهیان

تدوین: محمد محسن مصحفی

نشر: سوره مهر ۱۳۹۹

تعداد صفحات: ۲۹۲

قطع: رقعی

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان





اگر سربازان نظامی، دیپلمات، اقتصادی و فرهنگی در جبهه ضد صهیونیستی یافته‌های خود را ثبت و در اختیار دیگران، به ویژه علاقه‌مندان انقلاب اسلامی در آن سوی مرزها قرار می‌دادند، پیشبردهای اهداف انقلاب اسلامی و قدرت اقناع‌سازی آن در داخل و خارج از کشور، بسیار بهتر و سریع‌تر قابل پیگیری بود

کتاب حاضر در سه بخش اصلی تدوین شده است.

بخش اول که شاکله اصلی کتاب را نیز در بردارد به داستان و سابقه بحران سوریه، بازیگران و اقدامات و تحلیل رفتار آنها می‌پردازد. نویسنده در بخش دوم لیستی از دیدارها و اقدامات دیپلماتیک خود را با اندک توضیحی به ترتیب زمانی ذکر کرده

و در بخش سوم از نقش سردار سلیمانی به عنوان راهبر راهبرد جبهه مقاومت چند نکته نه چندان مشروح و مفصل به میان آورده که بسیار کمتر از سطح انتظار و خواست مخاطب است.

### ارزیابی شکلی

استاندارد روز در حوزه نشر اعم از توجه به عنوان، طرح روی جلد، قطع، نوع حروف، صفحه‌آرایی، ویراستاری، تصاویر، نوع کاغذ و بهای اثر در توجه اولیه مخاطب بسیار مهم ارزیابی می‌شود و الحمدلله این اثر در همه بخش‌های شکلی کتاب، استانداردهای لازم را رعایت کرده و در مواردی از جمله عنوان زیبا، ویراستاری حرفه‌ای، پاورقی‌های بجا و مناسب، شایسته تقدیر است.

البته اگر به دلیل تعدد اسامی، فهرست اعلام یا نمایه نیز در انتها به اثر اضافه می‌شد، به مزایا و ویژگی‌های مثبت اثر می‌افزود؛ آن چنان که تصاویر کتاب، این اثر گذاری مثبت را دارد.

### ارزیابی محتوایی

به رغم درج خاطرات در ذیل عنوان اثر، نمی‌توان این کتاب را خاطرات معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه دانست؛ همان‌طور که نمی‌توان محتوای اثر را به یک قالب پژوهشی نزدیک دانست که مباحث راهبردی منطقه در آن تبیین و تفسیر شود.

شاید تحلیل رفتار بازیگران مطرح در بحران سوریه، نزدیکترین ارزیابی از محتوای کتاب باشد که بعضاً با بیان برخی مطالب راهبردی یا خاطره، غنی‌سازی شده است. البته این ارزیابی ناظر بر ۱۸۰ صفحه از بخش اول است و در ارزیابی بخش دوم و سوم که مطالب دندان‌گیری

در آن یافت نمی‌شود، ارزیابی از محتوا بسیار مشکل‌تر خواهد بود. آنچه مخاطب در پس مطالعه این اثر باید درمی‌یافت کلیاتی از راهبرد و برنامه بلندمدت بازیگران اصلی و فرعی بحران سوریه است. و متأسفانه این نگاه راهبردی بسیار مغفول مانده است و لازم می‌بود که در مقدمه یا مطلع اثر، به عنوان مدخل اصلی ورود به بحث، مورد توجه ویژه قرار می‌گرفت.

بدون شک به ترتیب درجه اهمیت و اولویت، شرح راهبرد اسرائیل، امریکا به عنوان فعال ایجاد بحران سوریه و راهبرد اروپا (غرب) و همراهان عرب به عنوان یاران اصلی اجرای این راهبرد باید مدنظر باشد. و در نهایت راهبرد اصولی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مخالف راهبرد اسرائیل باید دقیقاً مورد موشکافی و تشریح قرار می‌گرفت.

روسیه و چین به عنوان دو بازیگر مطرح این بحران، راهبردی چندوجهی داشتند که در صورت ارزیابی واقعی و اصولی به لحاظ عملکرد و رفتاری که از خود نشان دادند، در اردوگاه غرب و صهیونیسم و اعراب قرار می‌گیرند ولی به لحاظ شکلی و آنچه ما باید در عرصه تبلیغات و سیاست اعلانی خود مدنظر داشته باشیم در کنار جمهوری اسلامی ایران بودند. به نظر می‌رسد که اسرائیل در یک نمای کلی از تحولات منطقه به ویژه پس از بیداری اسلامی، بزرگترین تهدید ظرف هفتاد سال گذشته علیه موجودیت خود را به یک فرصت بی‌بدیل تبدیل کرد و موفق به تحقق این راهبرد نیز شد.

نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی در کشورهای لیبی، مصر، عراق، سوریه و یمن که زمانی از مهم‌ترین مخالفان رژیم صهیونیستی محسوب می‌شدند، راهبرد محقق شده اسرائیل در منطقه بود که به وضوح شاهد آن هستیم.

ناگفته پیداست که شکل دیگری از اجرای این راهبرد در مورد ایران و عربستان هم، راه‌اندازی یک جنگ بین این دو کشور بود که با درایت جمهوری اسلامی ایران ناکام ماند ولی سرمایه‌های زیادی در این مسیر مصروف گشت.

همچنین اکنون درگیر شدن ترکیه و



نویسنده کتاب



آنچه مخاطب در پس مطالعه صبح شام باید درمی یافت کلیاتی از راهبرد و برنامه بلندمدت بازیگران اصلی و فرعی بحران سوریه است. و متأسفانه این نگاه راهبردی بسیار مغفول مانده است و لازم می بود که در مقدمه یا مطلع اثر، به عنوان مدخل اصلی ورود به بحث، مورد توجه ویژه قرار می گرفت

عربستان در جریان بحران سوریه و یمن و تحلیل رفتن قوای نظامی این دو کشور در راستای همین راهبرد اسرائیلی ارزیابی می شود.

رژیم صهیونیستی با درگیر کردن کشورهای منطقه با همسایگان خود و با پول و سرمایه کشورهای مسلمان به بهترین شکل، بدون اینکه حتی خود یک گلوله شلیک کرده یا هزینه کند، به هدف خود رسیده است.

سیاست این کیان غاصب در بحران سوریه نیز، پس از ویران ساختن و نابود کردن زیرساخت های آن، بر کناری اسد از قدرت نبوده و نیست. چون تضعیف اسد، بهتر از ایجاد یک حکومت مذهبی به جای آن برای توافق یا همزیستی در منطقه و در همسایگی آن است.

دولت امریکا در دوران اوباما و ترامپ همراه با غرب نیز در راستای راهبرد رژیم صهیونیستی عمل کرده اند و هیچ نشانه ای را از اختلاف در مسیر و هدف در این اردوگاه نمی توان دید.

دولت های عرب دست نشانده از سوی غرب و امریکا نیز با تجربه اندک از سقوط بن علی و مبارک در تونس و مصر، بیش از پیش با نزدیک شدن به غرب و صهیونیسم، حکومت های دو روزه خود را با حمایت از جریان های سلفی و تضعیف کشورهای محور مقاومت و شعله ور ساختن اختلافات مذهبی، تضمین می کنند.

و اما راهبرد جمهوری اسلامی ایران به ویژه پس از ظهور بیداری اسلامی و محوریت یافتن چهار اصل مورد تأکید رهبری از جمله: وحدت، عدالت طلبی، مبارزه با استکبار و مخالفت با موجودیت رژیم صهیونیستی، افزودن به عناصر و اجزای جبهه مقاومت با تأسی به این اصول بود و دیدیم که تمام توان مادی و معنوی خود را در حراست از این راهبرد با کمک نظامی، سیاسی و تبلیغاتی به کشورهای محور مقاومت به کار گرفت و با یاری خداوند متعال ضمن ناکام کردن دشمنان، حضور خود را از ساحل دجله و فرات به ساحل مدیترانه در سوریه و لبنان رساند.

نویسنده محترم صبح شام اگر چه بسیار تلاش دارد تا تحلیل آنچه در منطقه در جریان بوده و هست را به وضوح برای مخاطب عیان سازد، ولی فقدان این تبیین راهبردی حتی اگر غیر از آنچه دیگران اعتقاد داشته باشند، نیز در متن کاملاً مشهود است.

راهبرد جمهوری اسلامی ایران به ویژه پس از ظهور بیداری اسلامی و محوریت یافتن چهار اصل مورد تأکید رهبری از جمله: وحدت، عدالت‌طلبی، مبارزه با استکبار و مخالفت با موجودیت رژیم صهیونیستی، افزودن به عناصر و اجزای جبهه مقاومت با تأسی به این اصول بود و دیدیم که تمام توان مادی و معنوی خود را در حراست از این راهبرد با کمک نظامی، سیاسی و تبلیغاتی به کشورهای محور مقاومت به کار گرفت

از انصاف نباید گذشت که متن خالی از این اصول بایسته و محوری نیست. جایی که (صفحه ۵۰-۴۹) به صورت گذرا و حاشیه‌ای به جایگاه نفت و مواد مخدر در سیاست‌های کلان قدرت‌ها اشاره‌ای دارد. این گریزی به این واقعیت است که هم اکنون در جهان سه کالای نفت، مواد مخدر و اسلحه بزرگترین تجارت را داشته و بیشترین پول بابت آنها به چرخش درمی‌آید و دیرزمانی است که کانون اصلی تبادل این سه کالا در سطح جهانی، خاورمیانه یا آسیای غربی بوده و طبیعی است که هر سیاست‌خردی از سوی قدرت‌ها و صهیونیسم در راستای این راهبرد تاریخی باید ارزیابی شود.

با این مقدمه مروری فهرست‌وار بر مصادیق و مطالب محوری کتاب خواهیم داشت:

۱. اگرچه نویسنده محترم در خلال طرح مباحث به سوابق کاری خود اشاره بسیار مختصری داشته است ولی کماکان کتاب فاقد معرفی کامل نویسنده اعم از تحصیلات، مسئولیت‌ها، آثار علمی (به دلیل داشتن مدرک بالای تحصیلی) و همچنین کارویژه‌های قابل توجه در کارنامه سیاسی است. و این نقص، زمانی پررنگ‌تر می‌شود که در بحبوحه و اوج فعالیت‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ایشان، دلیل جابه‌جایی ایشان از وزارت امور خارجه به مجلس شورای اسلامی معلوم نمی‌شود. این مهم در تبیین دسته‌بندی‌های موجود در داخل جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحولات منطقه و سوریه بسیار روشنگر بود. چراکه مهم‌ترین گمانه‌زنی در این مورد اختلاف دیدگاهی در این خصوص بوده و نه برخی تصمیمات مدیریتی یا احیاناً شخصی.

۲. نویسنده محترم در ابتدا چهارچوب سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جایگاه سوریه در منطقه و نسبت آن با ایران را بیان نمی‌کند تا پس از آن بتواند بنای تحلیل خود را بر این پی‌استوار سازد.

ضمن آن که به صورت صریح و شفاف در کنار دو موضوع مهم از جمله وجود اماکن مقدسه و تبادلات مرسوم سیاسی و اقتصادی دو کشور، بحث مقاومت باز نمی‌شود و اینکه معبر سوریه در مواجهه با رژیم صهیونیستی مهم‌ترین دلیل حضور و حساسیت ما نسبت به این منطقه است.





مراسم رونمایی از کتاب با حضور دختر سردار سلیمانی و نویسنده اثر

۳. تبیین جایگاه اخوان المسلمین و گروه‌های سلفی و تکفیری در این کتاب بسیار مغفول واقع شده است و اینکه چرا و به چه صورت به عنوان یک ابزار صهیونیستی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و حال آن که می‌شد برخی از آنها فرصت‌هایی در دست جمهوری اسلامی ایران باشند. چرا که کماکان نسبت به اخوان المسلمین با تمام سوابق و تحولات و رفتار فعلی، دید واقعی و کاربردی ارایه نمی‌شود یا برآیند مثبتی از آن وجود ندارد؛ یا اصلاً دیدگاه صائبی در پس این تحولات نسبت به آن وجود نداشته است.

۴. متأسفانه دریافت‌ها از افراد و جریان‌ها در این اثر جزمی و کاملاً بدون تغییر فرض می‌شود. برای مثال سؤالی که در این خصوص کاملاً بی‌پاسخ می‌ماند این است که چرا نسبت به افرادی همچون راشد الغنوشی که از سوی ایران نیز حمایت می‌شده، با نموداری کاملاً متغیر از رفتار و دیدگاه، کماکان باید نسبت به او همچون دوران تبعید نگر است؟

از سوی دیگر دسته‌بندی جریان‌های سلفی در سوریه و بروز و ظهور آنها را در هیچ جای دیگری از آسیای غربی نمی‌توان یافت در حالی که به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی نسبت به همه آنها با تمام تفاوت‌ها یک نگاه و یک رفتار را در دستور قرار داده است یا حداقل این متن بر آن صراحت دارد.

یاداستان حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت با شهادت رکن آبادی پس از آن که از غائله بیروت جان سالم به در برد را باید در این بخش مورد توجه قرار داد. اهمیت این موضوع وقتی دو چندان می‌شود که بدانیم ظرف چهل سال گذشته این سفارت در



بحران سوریه صحنه آزمایش برای شناخت دوستان و دشمنان واقعی جبهه مقاومت بود. رفتارشناسی گروه‌ها و جریان‌های فلسطینی در خلال بحران، موضوع تحقیقی بسیار مهمی است که باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد

بحرانی‌ترین شرایط و حتی زمانی که بیروت توسط صهیونیست‌ها به اشغال درآمد، مورد کوچکترین گزند و تعرضی قرار نگرفت ولی در خلال تحولات شام از سوی یک گروه به اصطلاح اسلام‌گرا به این صورت مورد حمله واقع شد.

۵. از سوی دیگر در این اثر به چگونگی تشکیل

گروه‌های مردمی برای مقاومت با استفاده از الگوی بسیج مردمی در جمهوری اسلامی یا آنچه در عراق به حشدالشعبی می‌شناسیم، اشاره بایسته‌ای نشده است و حال آن که این گروه‌ها و اساساً مردمی شدن مبارزه با دشمنان سوریه، از راهبردهای مهم جمهوری اسلامی در ایران و عراق است.

۶. در صبح شام به جایگاه امریکا در سیاست‌های مربوط به سوریه بیش از حد پرداخته می‌شود، حتی بیشتر از جایگاه رژیم صهیونیستی؛ در حالی که نه راهبردی است و نه کاملاً آشکار و صریح.

خنثی شدن حمله امریکا به سوریه به بهانه استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی سوریه و سیاست ایران و روسیه مبنی بر خلع سلاح سوریه در این زمان، کاملاً غیر منطقی و ساده‌انگارانه است یا حداقل موضوع به خوبی طرح نشده یا نباید بشود!

۷. سیاست روسیه در بحران سوریه بسیار منفعلانه ترسیم می‌شود و به موضوعات مطرح و بعضاً بحران‌زا یا شایان توجه در این خصوص پرداخته نمی‌شود. از جمله استفاده هواپیماهای روسی از پایگاه‌های هوایی ایران، دیدار پوتین و سردار سلیمانی، توافق پوتین نتانیاوو و حمله اسرائیل به تأسیسات ایرانی و حزب‌الله در سوریه.

۸. بحران سوریه صحنه آزمایش برای شناخت دوستان و دشمنان واقعی جبهه مقاومت بود. رفتارشناسی گروه‌ها و جریان‌های فلسطینی در خلال بحران، موضوع تحقیقی بسیار مهمی است که باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. مواضع گروه‌های اسلامی، ملی و سوسیالیستی حاکی از وجود دیدگاه و نگاه‌های متفاوت به بحران سوریه از زوایای مختلف است و متأسفانه در این میانه گروه‌های اسلامی به رغم بهره‌مندی از امکانات گسترده سوریه در تمام طول حیات خود، کارنامه خوبی بر جای نگذاشتند و حتی از چپی‌ها و ملی‌گراها عقب ماندند.

اگرچه اعتراف تلخی است ولی آسیبی است که حتی در کتاب صبح شام به عنوان یک واقعیت و چاره‌جویی آتی به آن توجه نشده است. آسیبی که از یک‌سوریش در عملکرد





اخوان المسلمین و امید جریان‌های وابسته به آن و از سوی دیگر ریشه در نداشتن نگاه استراتژیک از سوی گروه‌هایی دارد که می‌خواهند دشمنی با ابعاد و مشخصات اسرائیل را از میان بردارند.

۹. تجربه و شناخت نویسنده محترم کتاب از تحولات منطقه و شام این انتظار را در مخاطب ایجاد می‌کند که بحران سوریه با تمام فراز و نشیب، در آینده صحنه کارزار دیگری از قدرت‌نمایی و اعمال نفوذ بازیگران است که ابعاد تازه‌ای می‌باید از جمله اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و... اینکه جمهوری اسلامی در این صحنه جدید با چه برنامه و هدفی باید به حضور خود عمق بخشد.

### نتیجه

صبح شام اثر ارزشمند، بی‌بدیل و مهمی در عرصه شناخت بحران سوریه خواهد بود. اگر با استفاده از نظر اهل فن، مسیر تکامل را در چاپ‌های بعدی به خوبی طی نماید. آنگاه فقط یک جلسه رونمایی نیست که خبر چاپ این اثر را در محافل علمی و مطالعاتی منطقه در صدر قرار می‌دهد. بلکه موضوعات مطرح در کتاب با نظر کارشناسان موافق و مخالف، بحث و جریان علمی ایجاد خواهد کرد و صبح شام برای ایجاد این جریان ظرفیت لازم را دارد. نویسنده محترم کتاب با تأثیرپذیری از جایگاه دیپلماتیک خود، در نوشتار کتاب، تعارف، ملاحظه و اختصار را مطرح نظر قرار داده و عمق لازم در شرح و بسط مطالب را ایجاد نکرده است.

از متن کتاب، این برمی‌آید که گفتنی‌هایی در زمان و شرایط مناسب وجود دارد که وعده امیدوارکننده و نویدبخشی است که ان‌شاءالله محقق شود. ضمن آن که در بخش شهید سلیمانی تجدید نظر بسیار ضروری به نظر می‌رسد و حتی این پیشنهاد که به صورت مستقل کتابی در این خصوص تدوین شود، مطرح و مورد استقبال است.